

# کتاب دانیال - شماره نود و دو

رازگشایی از نبوت: کاربرد سه‌گانه شش‌آیه پایانی کتاب دانیال و نور فزاینده فرشته سوم

Jeff Pippenger

2024-02-25

در جنبش میلری، افزایش معرفت از مهر گشوده شد و بیش از همه، اما نه به طور انحصاری، کسانی را که در ایالات متحده خود را پروتستان می‌دانستند آزمود. ساردس، کلیسایی که از تاریکی تفوق پاپی بیرون می‌آمد، به سوی درکی کامل‌تر از انجیل هدایت می‌شد؛ انجیلی که قرار بود وقتی قدس آسمانی در آسمان گشوده شود، آشکار گردد. در جنبش فرشته سوم، افزایش معرفت در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از مهر گشوده شد و ادونتیسیم لاودیکیه‌ای را در سراسر جهان آزمود. از این رو، حقیقت منعکس در شش‌آیه پایانی فصل یازدهم دانیال، که سرچشمه افزایش معرفت است، با مخالفت ادونتیسیم لاودیکیه‌ای روبه‌رو شد.

تعداد اندکی از بنایان وفادار که بر بنیاد حقیقی بنا می‌کردند (اول قرن‌تین 3:10، 11)، چون خاکروبه تعالیم باطل کار را سد می‌کرد، دچار سردرگمی شدند و کارشان بازداشته شد. همچون بنایان بر دیوار اورشلیم در روزگار نحمیا، برخی آماده بودند بگویند: «قوت باربران سست شده است و خاکروبه بسیار است؛ از این رو ما قادر به بنا کردن نیستیم.» نحمیا 4:10. از مبارزه پیوسته با آزار و اذیت، فریب، شرارت، و هر مانع دیگری که شیطان برای بازداشتن پیشرفتشان تدبیر می‌کرد، فرسوده شدند؛ برخی از کسانی که تا آن هنگام بنایان وفادار بودند، دل‌سرد شدند و به خاطر صلح و امنیت اموال و جان‌شان، از بنیاد حقیقی روی گرداندند. اما برخی دیگر، بی‌آنکه از مخالفت دشمنانشان بهراسند، بی‌باکانه اعلام کردند: «از آنان مترسید؛ خداوند را که عظیم و مهیب است به یاد آورید» (آیه 14)؛ و کار را ادامه دادند، هر کس شمشیر خود را به پهلو بسته بود. افسسیان 6:17.

همان روح نفرت و مخالفت با حقیقت در همه اعصار دشمنان خدا را برانگیخته است، و همان هوشیاری و وفاداری نیز از بندگان او خواسته شده است. سخنان مسیح به شاگردان نخستین، تا پایان زمان در مورد پیروان او صدق می‌کند: «آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم: بیدار باشید.» مرقس ۱۳:۳۷. مناقشه بزرگ، ۵۶.

ارائه پیام شش‌آیه پایانی دانیال در محیط خدمت‌های خوداتکای ادونتیسیم لاودیکیه‌ای آغاز شد و سپس با گذشت زمان با الهی‌دانان نامدار (اهل علم) ادونتیسیم لاودیکیه‌ای روبه‌رو شد. سلاح‌هایی که برای بی‌اعتبار کردن پیام به کار گرفته می‌شد، همواره به نوری بیشتر و وضوحی افزون درباره آیاتی که زیر موشکافی و آماج حمله بودند می‌انجامید. آن حملات در نهایت به دریافت‌های نبوی‌ای انجامید که پیش‌تر شناخته نشده بودند، اما سپس تثبیت شدند و معلوم گشت که بخشی از نور پیش‌رونده فرشته سوم‌اند.

پیروان میلر تنها چهار پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس را به رسمیت می‌شناختند، اما اندکی پس از سال ۱۸۴۴ دریافت شد که ایالات متحده همان وحش زمین باب سیزدهم مکاشفه است، و این دریافت روشن کرد که نظام پاپی صرفاً بخشی از پادشاهی روم نبود، بلکه در واقع پنجمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس بود.

در قالب نمادهای یک اژدهای بزرگ سرخ، وحش پلنگ‌گونه، و وحش با شاخ‌هایی مانند شاخ‌های بره، حکومت‌های زمینی که به‌ویژه به لگدمال کردن شریعت خدا و آزار رساندن به قوم او می‌پرداختند، به یوحنا نشان داده شدند. این جنگ تا پایان زمان ادامه دارد. قوم خدا، که با زنی مقدس و فرزندانش نمادپردازی شده بودند، به‌عنوان اقلیتی بسیار اندک معرفی شدند. در ایام آخر تنها باقیمانده‌ای هنوز وجود داشت. یوحنا درباره اینان چنین می‌گوید: «آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند.»

از راه بت‌پرستی، و سپس از راه پاپیت، شیطان در طول قرن‌های بسیار قدرت خود را به کار گرفت تا شاهدان وفادار خدا را از روی زمین محو کند. بت‌پرستان و پاپیان به همان روح اژدها برانگیخته می‌شدند. تفاوتشان تنها در این بود که پاپیت، با تظاهر به خدمت خدا، دشمنی خطرناک‌تر و بی‌رحم‌تر بود. به‌وسیله کاتولیسیسم رومی، شیطان جهان را به اسارت گرفت. کلیسایی که ادعای انتساب به خدا داشت به صفوف این فریب کشیده شد، و بیش از هزار سال قوم خدا زیر خشم اژدها رنج کشیدند. و هنگامی که پاپیت، که قدرتش از او سلب شده بود، ناچار شد از تعقیب و آزار دست بردارد، یوحنا دید که قدرتی نو سر برمی‌آورد تا پژواک صدای اژدها باشد و همان کار ظالمانه و کفرآمیز را دنبال کند. این قدرت، آخرین که قرار است بر ضد کلیسا و شریعت خدا جنگ برانگیزد، نمادش حیوانی با شاخ‌های بره‌گون بود.

اما ترسیم قاطع قلم نبوت پرده از تغییری در این صحنه آرام برمی‌دارد. وحشی با شاخ‌هایی چون بره با صدای اژدها سخن می‌گوید و «همه قدرت وحش نخستین را در حضور او به کار می‌گیرد.» نبوت اعلام می‌کند که او به ساکنان زمین خواهد گفت که باید برای وحش تمثالی بسازند، و اینکه «همگان را، چه خرد و چه بزرگ، چه ثروتمند و چه فقیر، چه آزاد و چه برده، وادار می‌کند تا نشانی بر دست راستشان یا بر پیشانی‌شان بپذیرند؛ و اینکه هیچ‌کس نتواند بخرد یا بفروشد، مگر آن‌که آن نشان، یا نام وحش، یا شماره نام او را داشته باشد.» بدین‌سان پروتستانیسم در پی دستگاه پاپ گام می‌نهد. نشانه‌های زمانه، ۱ نوامبر ۱۸۹۹.

وقتی شش آیه پایانی دانیال باب یازدهم از مهر گشوده شدند، معلوم شد که کل سلسله‌وقایع ترسیم‌شده در آن شش آیه به تعاملات سه قدرتی می‌پردازد که خواهر وایت به‌تازگی آن‌ها را «بت‌پرستی»، «نظام پاپی» و «پروتستانیسم» نامیده بود. دشمن استدلال می‌کرد که «سرزمین باشکوه» آیه چهارویکم نمادی از پروتستانیسم یا کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم است، اما «سرزمین باشکوه» ایالات متحده است، و در آیه چهارویکم پادشاه شمال (نظام پاپی) در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد، ایالات متحده را به تسخیر درمی‌آورد. آن خطای شیطانی که «سرزمین باشکوه» را چیزی جز ایالات متحده معرفی می‌کند، برای آن طراحی شده است که نگذارد مردان و زنان تشخیص دهند که رویداد نبوی بعدی، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹، در دوره‌ای که در شش آیه پایانی دانیال باب یازدهم ترسیم شده است، همان قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع است.

برای ادونتیست‌های روز هفتم، این یعنی آیه چهارویکم پایان مهلت آزمایشی کلیسای خدا را مشخص می‌کند، و آخرین چیزی که ادونتیسم لائودکیایی می‌خواهد بشنود این است که مهلت آزمایشی‌شان رو به پایان است! خداوند بحث را تا جایی پیش برد که روشن شد وقتی روم بت‌پرست در نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد بر جهان مسلط شد، ابتدا باید سه قدرت سرزمینی را، چنان‌که در باب هشتم دانیال نشان داده شده است، مغلوب می‌کرد.

و از یکی از آنها شاخی کوچک بیرون آمد که به‌غایت بزرگ شد، به سوی جنوب، و به سوی شرق، و به سوی سرزمین دلپسند. دانیال ۸:۹.

این یک واقعیت مسلم بود که «جنوب»، «شرق» و «سرزمین دلپسند» نماینده سه منطقه جغرافیایی بودند که روم بت پرست، هنگام نشستن بر تخت سلطنت جهان به عنوان چهارمین پادشاهی نبوت های کتاب مقدس، آنها را زیر سلطه خود درآورد. همچنین مطابق این واقعیت، روم پاپی نیز، چنان که در باب هفتم دانیال نمایانده شده است، برای نشستن بر تخت سلطنت جهان به عنوان پنجمین پادشاهی نبوت های کتاب مقدس، می بایست بر سه قدرت جغرافیایی غلبه کند.

به شاخ ها نظر کردم، و اینک، در میان آنها شاخی کوچک دیگر سر برآورد؛ و در برابر آن، سه تا از شاخ های نخستین از ریشه برکنده شدند؛ و اینک، در آن شاخ چشمانی مانند چشمان انسان بودند و دهانی که سخنان بزرگ می گفت. دانیال ۷:۸.

در جدلی که بر سر «سرزمین مجید» در آیه چهارم و یک در گرفت، خداوند آشکار ساخت که در نبوت سه نمود از روم وجود دارد: روم بت پرست، که پس از آن روم پاپی آمد، و سپس روم ایام آخر که ما آن را «روم مدرن» نامیدیم. بر پایه دو حقیقت استوار و مسلم نبوت—نخست این که خدا هرگز تغییر نمی کند، و دیگر این که حقیقت بر شهادت دو شاهد تثبیت می شود—بی هیچ تزلزلی به این نتیجه رسیدیم که سه مانع پیش روی پادشاه شمال در شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال باید نماینده سه قدرت جغرافیایی امروزی باشند.

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است. عبرانیان ۱۳:۸.

در شریعت شما نیز نوشته شده است که شهادت دو نفر درست است. یوحنا ۸:۱۷.

این تصدیق آنچه را که پیش تر به آن رسیده بودیم تأیید کرد؛ زیرا ما «سرزمین پر جلال» را قدرتی جغرافیایی (ایالات متحده) تشخیص داده بودیم و اندیشه احمقانه ای را که آن را نماینده یک کلیسا می دانست—که قدرتی روحانی است—رد کرده بودیم. ما این موضع را بر پایه باوری که همواره تأیید شده است شکل دادیم: اینکه در کلام خدا هیچ چیز تصادفی نیست. بر اساس شواهد بسیار روشن است که کلیسای خدا در ایام آخر کوهی است.

و در ایام آخر چنین خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه ها استوار خواهد شد و از تپه ها بلندتر خواهد گردید؛ و همه قوم ها به سوی آن سرازیر خواهند شد. و بسیاری از مردم خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا رویم؛ و او راه های خود را به ما خواهد آموخت و ما در مسیرهای او گام خواهیم زد؛ زیرا از صهیون شریعت صادر خواهد شد و کلام خداوند از اورشلیم. اشعیا ۲:۲، ۳.

کسانی که مطرح کردند «سرزمین پرشکوه» یک کلیساست. و غالباً هم ادعا می کردند که منظور کلیسای ادونتیست های روز هفتم است. این کار را از آن رو کردند که دانیال آن سرزمین را «پرشکوه» معرفی می کند، و استدلال سطحی شان به این نتیجه رسید که چون «کوه مقدس پرشکوه» در آیه چهل و پنج بی تردید کلیسای خدا در روزهای آخر است، پس «سرزمین پرشکوه» نیز لابد باید کلیسا باشد. به هر حال، هر دوشان صفت «پرشکوه» را دارند.

در کلام خدا هیچ اشتباهی نیست، و هنگامی که دانیال واژه «سرزمین» را در ارتباط با کلمه «پر جلال» به کار می برد و چهار آیه بعد «کوه مقدس» را در ارتباط با کلمه «پر جلال» به کار می گیرد، دانیال عمداً میان یک سرزمین و یک کوه تمایزی هدفمند قائل می شود. سرزمین پر جلال، به معنای دقیق کلمه، یهوداست، و در شهر اورشلیم است که هیکل خدا بنا شد. اورشلیم، یا هیکل، را می توان کلیسای خدا دانست، اما قلمرویی که اورشلیم در آن واقع است، سرزمین یهوداست. بسیاری از حقایق با افزایش دانش در نور فزاینده فرشته سوم تثبیت شد، اما ما در اینجا صرفاً زمینه نبوت را ترسیم می کنیم که سه تجلی روم را شناسایی می کند.

وقتی دریافتیم که روم بت پرست و روم پاپی دو شاهد فراهم می‌کردند که ویژگی‌های نبوی روم امروزی را تثبیت می‌کرد، به اصل تفسیری‌ای پی بردیم که من آن را «کاربرد سه‌گانه نبوت» نامیدم. افراد دیگری نیز از ایده‌های مشابه تکرار سه‌باره برخی نبوت‌ها استفاده کرده بودند، اما تعریفی که بدان رسیدیم همان تعریفی است که هنوز به کار می‌بریم. مهم است که دریابیم قاعده نبوی «کاربرد سه‌گانه نبوت» که Future for America غالباً به کار می‌برد، در جریان مباحثه درباره شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال شناخته شد؛ اما به همان اندازه مهم این است که آن مباحثه به نخستین درک این نکته انجامید که «کاربرد سه‌گانه نبوت» مربوط به روم است. در تاریخ میلرایتی، یکی از مباحث این بود که آیا آنتیوخوس اپیفانس «راهزنان قوم دانیال» بود یا آن‌گونه که میلرایتی‌ها می‌فهمیدند، «راهزنان» روم بود. اهمیت این موضوع از آن روست که روم، به‌عنوان «راهزنان قوم دانیال»، همان کسانی‌اند که در دانیال ۱۱:۱۴ «رویا را برقرار خواهند ساخت».

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو خود را بلند خواهند ساخت تا رؤیا را استوار سازند، اما فرو خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۱۴.

نخستین بار که کاربرد سه‌گانه نبوت را فهمیدیم، این امر از این واقعیت شناخته شد که در نبوت کتاب مقدس سه تجلی روم وجود دارد. روم بینش نور فزاینده فرشته سوم را، همان‌گونه که در تاریخ نهضت میلری نیز چنین کرده بود، تثبیت کرد. در تاریخ نهضت میلری این فهم وجود داشت که وثن‌پرستی و پاپیسم همان قدرت‌هایی بودند که قدس و لشکر را پایمال می‌کردند؛ و این امر به چارچوبی از حقیقت بدل شد که میلر «همه» فهم‌های نبوی خود را بر آن بنا کرد. شش آیه پایانی فصل یازدهم کتاب دانیال، چارچوبی از حقیقت را برقرار ساخت که Future for America همه کاربردهای نبوی خود را بر آن بنا نهاده است. آن چارچوب عبارت است از سه قدرت ویرانگر، یعنی اژدها، وحش و نبی کاذب، که جهان را به سوی آرماگدون رهبری می‌کنند.

آن چارچوب بر این شناخت استوار است که روم بت‌پرست، و پس از آن روم پاپی، دو شاهدی را فراهم می‌آورند که هویت روم معاصر را تثبیت می‌کنند، و اینکه روم معاصر اتحاد سه‌گانه اژدهای روح‌گرایی (سازمان ملل متحد)، وحش کاتولیسیم (پاپی)، و نبی کاذب پروتستان‌تیسیم مرتد (ایالات متحده) است. آن چارچوب همان چیزی است که ما آن را کاربرد سه‌گانه نبوت می‌نامیم. در مقالات پیش رو، درباره کاربردهای سه‌گانه گوناگون نبوت که شناخته شده‌اند و چارچوب نور پیش‌رونده سه فرشته را شکل می‌دهند، بحث خواهیم کرد.

ما به کاربرد سه‌گانه سه نمود روم خواهیم پرداخت؛ نمودهایی که ساختار سیاسی و مذهبی روم مدرن را مشخص می‌کنند؛ ساختاری که خواهر وایت آن را کلیساداری و کشورداری نامید. این ساختار با کنار هم نهادن ویژگی‌های نبوی روم مشرک و ویژگی‌های نبوی روم پاپی شناخته می‌شود، برای شناسایی و تثبیت این ویژگی‌ها در روم مدرن.

ما به کاربرد سه‌گانه سه مظهر بابل که در نمرود، نبوکدنصر و بلشصر نمود یافته‌اند، خواهیم پرداخت؛ مظهرهایی که تکبر «آن مرد گناه» را که در هیکل خدا نشسته و اعلام می‌کند که خود خداست، آشکار می‌سازند؛ همان که اشعیا او را «آشوری متکبر» معرفی کرده است. تکبر پاپی، که موضوع نبوت‌های کتاب مقدس است، با کنار هم نهادن ویژگی‌های نبوتی بابل با ویژگی‌های نبوتی بابل، برای شناسایی و تثبیت ویژگی‌های بابل معاصر، بازشناسی می‌شود.

ما به کاریست سه‌گانه سه ظهور ایلیا خواهیم پرداخت؛ ظهورهایی که به‌وسیله ایلیا و یحیی تعمیددهنده بازنمایی شده‌اند و «صدایی که در بیابان ندا می‌کند» را در روزهای آخر مشخص می‌کنند. آن «صدایی که در بیابان ندا می‌کند» در روزهای آخر نماینده یک دیده‌بان مشخص است که خود یک جنبش است، و دو شاهد را در جنبشی که آغازی و فرجامی مشابه دارد، شناسایی می‌کند. به

ما گفته شده که بدون اولی و دومی، فرشتهٔ سومی وجود ندارد؛ بنابراین از یک حیث، جداسازی جنبش فرشتهٔ اول از جنبش فرشتهٔ سوم ناممکن است، و هر دو جنبش به وسیلهٔ یک دیده‌بان نمایانده می‌شوند که ایلیا و یحیی تعمیددهنده نمونهٔ آن بودند.

با قلم و زبان باید اعلام کنیم و ترتیب آن‌ها و کاربرد نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشتهٔ سوم می‌رسانند نشان دهیم. سومی بدون نخستین و دومین نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید در نشریات و در خطابه‌ها به جهان ارائه دهیم و در خط سیر تاریخ نبوی آنچه بوده و آنچه خواهد بود را نشان دهیم. پیام‌های برگزیده، کتاب 2، صفحه 105.

ما به کاربرد سه‌گانهٔ سه تجلی آن پیام‌آوری می‌پردازیم که راه را برای فرستادهٔ عهد آماده می‌کند تا ناگهان به هیکل خود بیاید؛ چنان‌که در یحیی تعمیددهنده و ویلیام میلر نمایان شده است. آخرین دیده‌بان موضوع نبوت است و با کنار هم نهادن ویژگی‌های نبوی یحیی تعمیددهنده و ویلیام میلر برای شناسایی تحقق نهایی باب سوم ملاکی شناخته می‌شود.

اینک، فرستادهٔ خود را خواهم فرستاد و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و خداوندی که او را می‌جوید ناگهان به هیکل خویش خواهد آمد، یعنی فرستادهٔ عهد، همان که در او شادمانید؛ اینک، او خواهد آمد، خداوند لشکرها می‌گوید. ملاکی ۱:۳.

ما به کاربرد سه‌گانهٔ سه نمود اسلام، آن‌گونه که به وسیلهٔ ویژگی‌های نبوی اسلام در اولین و دومین وای فصل‌های هشت و نه مکاشفه بازنمایی شده است، خواهیم پرداخت؛ ویژگی‌هایی که ویژگی‌های نبوی اسلام مربوط به سومین وای مشخص شده در فصل‌های ده و یازده مکاشفه را مشخص می‌کنند.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

عقل و مغزتان را به کسی نسپارید؛ به هیچ‌کس اجازه ندهید به جای شما فکر کند، تحقیق کند و دعا کند. این همان دستوری است که باید امروز به دل بسپاریم. بسیاری از شما یقین دارید که گنج گران‌بهای ملکوت خدا و عیسی مسیح در همان کتاب مقدسی است که در دست دارید. می‌دانید که هیچ گنج زمینی بدون تلاش طاقت‌فرسا به دست نمی‌آید. پس چرا انتظار دارید بدون آن‌که کتاب مقدس را با جدیت جست‌وجو کنید، گنجینه‌های کلام خدا را دریابید؟

خواندن کتاب مقدس کاری درست و به‌جاست؛ اما وظیفهٔ شما به آن‌جا ختم نمی‌شود؛ زیرا باید خودتان صفحات آن را جست‌وجو کنید. معرفت خدا بدون کوشش ذهنی و بدون دعایی برای کسب حکمت به دست نمی‌آید؛ تا بتوانید گاه را از دانهٔ ناب حقیقت جدا کنید؛ همان گاهی که انسان‌ها و شیطان با آن تعالیم حقیقت را وارونه جلوه داده‌اند. شیطان و هم‌دستان او از عاملان انسانی کوشیده‌اند گاه خطا را با گندم حقیقت درآمیزند. باید با جدیت در پی گنج پنهان باشیم و از آسمان حکمت بطلبیم تا ساخته‌های انسانی را از فرامین الهی جدا کنیم. روح‌القدس جوینده حقایق بزرگ و گران‌بهایی را که به نقشهٔ نجات مربوط است یاری خواهد کرد. می‌خواهم این حقیقت را به همه خاطر نشان کنم که خواندن سرسری کتاب مقدس کافی نیست. باید جست‌وجو کنیم، و این یعنی به عمل آوردن همهٔ آنچه این کلام اقتضا می‌کند. همان‌گونه که معدن‌کار با اشتیاق زمین را می‌کاود تا رگه‌های طلایش را بیابد، شما نیز باید کلام خدا را برای آن گنج پنهانی بکاوی که شیطان مدت‌ها کوشیده است از انسان پنهان بدارد. خداوند می‌گوید: «اگر کسی بخواهد ارادهٔ او را به‌جا آورد، از تعلیم آگاه خواهد شد.» یوحنا 7:17. اصول تعلیم و تربیت مسیحی، 307.